

# امکان‌سنجی قابلیت‌های هنر عمومی به‌عنوان محرک توسعه در بازآفرینی بافت فرسوده (نمونه موردی: محله چهارراه مازندران سمنان)

میترا حبیبی\*، مهسا قانع\*\*

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۸/۱۰/۲۳

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۳۹۹/۰۵/۰۵

چکیده

یکی از مهم‌ترین اهداف حرفه شهرسازی در سال‌های اخیر، تعدیل مشکلات اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و کالبدی بافت‌های فرسوده شهرهای کشور می‌باشد. با توجه به مطالعات نظری و تجارب جهانی، بازآفرینی فرهنگ‌مبنا به‌عنوان رویکردی جامع و اجرایی با قابلیت بهره‌وری از مشارکت نوآورانه ساکنان، در دستور کار پژوهش‌های متعددی قرار گرفته است. همچنین از استراتژی‌های نوین توسعه مجدد شهری می‌توان به محرک‌های توسعه که منجر به راه‌اندازی و هدایت توسعه در بافت‌های فرسوده شهری می‌گردند، اشاره داشت. از جمله اهداف اصلی پروژه‌های محرک توسعه، دستیابی به بازآفرینی شهری است، رویکردی که به‌عنوان یک راهبرد جامع، برای ایجاد تغییر در یک مکان با نشانه‌های زوال به‌کار می‌رود. از این رو پژوهش حاضر، امکان‌سنجی قابلیت‌های استفاده از هنر عمومی به‌عنوان محرک توسعه در بازآفرینی بافت فرسوده را به‌عنوان هدف اصلی برگزیده است و سعی گردیده به موضوعاتی همچون شناسایی مؤلفه‌های هنر عمومی، میزان تأثیرگذاری آن‌ها و همچنین امکان‌سنجی استفاده از هنر عمومی در محله مورد مطالعه پاسخ داده شود.

این پژوهش از نوع کاربردی- توصیفی و با رویکرد کمی در محله «چهارراه مازندران شهر سمنان» با جمعیت ۵۵۰۴ نفر صورت گرفته است. جهت جمع‌آوری اطلاعات نیز با تدارک نمونه تصادفی ۳۸۴ نفری (با استفاده از فرمول کوکران) و توزیع پرسشنامه از روش آماری تحلیل مدل عاملی تأییدی مرتبه دوم استفاده گردیده و با نرم‌افزار لیزرل تحلیل شده است. نتایج این پژوهش بیانگر این است که از بین مؤلفه‌های بررسی شده به ترتیب: هنر منظر (مبلمان و فضای سبز)، هنر معماری (موزه، چاپخانه، سفره‌خانه و آموزشگاه)، هنر زنده (نمایش خیابانی، مسابقات، نمایشگاه، اسکان هنرمندان و جشنواره)، هنر دیجیتال (نورپردازی، صداگذاری و نمایش فیلم)، هنر نقاشی (نقاشی دیواری، گرافیتی، موزائیکی و کنده‌کاری) و هنر مجسمه‌سازی (المان، مجسمه و یادبود)، از میان گونه‌های متعدد هنر عمومی در محله مورد مطالعه از ظرفیت و قابلیت استفاده بیشتری جهت توسعه و بازآفرینی بافت فرسوده برخوردار بوده است. در این پژوهش نهایتاً علاوه بر امکان‌سنجی گونه‌های مختلف هنر عمومی، مکان‌گزینی مناسب جهت استقرار آن‌ها ارائه گردیده که می‌تواند الگوی مناسبی برای بسط هنر عمومی جهت بازآفرینی بافت‌های فرسوده برای سایر مطالعات باشد.

**کلمات کلیدی:** بازآفرینی، بازآفرینی فرهنگ‌مبنا، محرک توسعه، هنر عمومی، محله چهارراه مازندران.

\* دانشیار گروه معماری و شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر تهران.

\*\* کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر تهران. Mahsaghane92@yahoo.com

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم مهسا قانع، به راهنمای سرکار خانم دکتر میترا حبیبی در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر تهران است.

## مقدمه

امروزه یکی از مشکلات عمده شهرها وجود بافت‌های فرسوده در آن‌ها است که خود سرآغاز بسیاری از مشکلات شهری شده، مسائل مختلف شهری را در پی داشته و زمینه ناپایداری را در بسیاری از شهرها فراهم کرده است (یعقوبی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۴). در این راستا یکی از رویکردهای نوین در سیاست‌های بازآفرینی بافت‌های نابسامان شهری به کارگیری اقدامات و پروژه‌های محرک توسعه با بهره‌گیری از مشارکت و توان اجتماعی ساکنان، متناظر با ظرفیت‌های محلی می‌باشد (سجادزاده و زلفی‌گل، ۱۳۹۴: ۱۵۲). محرک‌های توسعه، عناصری فیزیکی، ساختاری و قابل اندازه‌گیری هستند که اثر واکنشی مهمی در مقیاس‌های مختلف شهری ایفا می‌کنند (-100 Berthold, 2015: 111; Jackson, 2010: 7). در این زمینه دسته‌بندی‌های گوناگونی از پروژه‌های محرک توسعه در مقیاس‌های مختلف شهری وجود دارد که یکی از آن‌ها بهره‌گیری از هنر عمومی است (Shen, 2013: 27-28; Grodach, 2008: 4-29, Elnokaly and Elseragy, 2008: 8; Francin, 2015: 17-22).

گرچه بحث توجه به هنر و فرهنگ از رویکردهای اصلی بازآفرینی فرهنگ‌مبنا (۱۹۸۰ تاکنون) می‌باشد و تا به امروز مطالعات زیادی در زمینه هنر عمومی و بهره‌گیری از پروژه‌های محرک توسعه به صورت مجزا صورت گرفته (: Francin, 2015: 17-22; Shen, 2013: 49-59; Berthold, 2015: 100-111; Sternberg, 2000: 265-278; Palermo, 2014: 521-545; Sharp et al, 2005: 1004-1007, Tornaghi, 2008: 1-6, Zembracki et al, 2016: 786-788; Zheng, 2017: 89-101; Turk, 2014: 16-45)، اما تاکنون امکان‌سنجی قابلیت‌های هنر عمومی به‌عنوان محرک توسعه در بازآفرینی بافت فرسوده مورد مطالعه قرار نگرفته است، از این رو در پژوهش حاضر سعی بر آن شده است تا به بررسی قابلیت‌ها و توانایی‌های هنر عمومی به‌عنوان محرک

توسعه در بازآفرینی بافت فرسوده محله چهارراه مازندران واقع در شهر سمنان پرداخته شود.

سمنان یکی از شهرهایی است که به‌واسطه‌ی قدمت، حدود نیمی از آن را بافت فرسوده تشکیل می‌دهد. در این خصوص محله چهارراه مازندران به‌علت فرسودگی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و فرهنگی، دارای مشکلات متعددی از جمله کاهش جمعیت و مهاجرت ساکنین بومی، فقر اقتصادی و نبود امنیت می‌باشد. لذا در پژوهش حاضر با هدف شناسایی قابلیت‌های هنر عمومی به‌عنوان محرک توسعه سعی شده است به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

- مؤلفه‌های هنر عمومی در فرایند بازآفرینی بافت فرسوده حاصل چه عواملی است؟
- تأثیرگذاری مؤلفه‌های هنر عمومی به‌عنوان محرک توسعه در فرایند بازآفرینی بافت فرسوده به چه میزان است؟
- امکان‌سنجی استفاده از قابلیت‌های هنر عمومی به‌عنوان محرک توسعه در بازآفرینی محله چهارراه مازندران در سمنان شامل چه فرایندی است؟

## روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و توصیفی بوده، دارای رویکرد کمی و روش پیمایشی است. دستیابی به مؤلفه‌های هنر عمومی از طریق بررسی و گردآوری دیدگاه‌های نظریه‌پردازان متعدد و همچنین بررسی تجارب جهانی موفق در این زمینه تحقق یافته است. جهت جمع‌آوری اطلاعات، از ابزار پرسشنامه استفاده شده است.

با توجه به رویکرد پژوهش، محله چهارراه مازندرانی واقع در شهر سمنان به‌عنوان نمونه موردی انتخاب گردیده است از جمله دلایل انتخاب این محله هم‌جواری با بافت تاریخی از جانب غرب، وجود اماکن مذهبی در هم‌جواری با بافت از جانب شرق (بقعه پیرنجم‌الدین و

۱۹۸۰ طرح‌ها و برنامه‌های اصلی بازآفرینی باعث بهبود رقابت اقتصادی و فرهنگی شهرها گردید ( Goksin and Muderrisoglu, 2005: 5). در این دهه برنامه‌های توسعه شهر بر مبنای توسعه‌ی فرهنگ مورد استفاده قرار گرفت (Kim, 2015: 337-338). از این رو بسیاری از برنامه‌ها حاکی از اهمیت نقش فرهنگ به‌عنوان سرلوحه‌ای برای توسعه و همچنین گذران اوقات فراغت مردم، بسان کاتالیزوری در توسعه شهری مورد تأکید واقع گردید (Zhong, 2015: 166). این نوع رویکرد از طریق خط‌مشی‌های فرهنگی با ایجاد مشاغل مناسب، تبلیغ و ترویج و ایجاد محل برگزاری (مثل کافه‌ها، رستوران‌ها و ...) به‌عنوان تأمین‌کننده منابع اقتصادی تلقی گردیده است. بدین ترتیب، مداخلات فرهنگی و هنری بیش از آن‌که محصول ثانویه رشد اقتصادی باشند، نیروی محرک آن تلقی می‌شوند که مزایای اقتصادی و اجتماعی متعددی دارند ( Bianchini and Parkinson, 1994: 113; caves, 2004: 484-485).

پروژه‌های محرک توسعه در بازآفرینی فرهنگ‌مبنا اولین اشاره به اصطلاح پروژه‌های محرک توسعه در کتاب معماری شهر، معمار معروف آلدروسی<sup>۱</sup> یافت شده است. بنا به نظر وی محرک‌های توسعه، مصنوعات شهری‌اند که همیشه غیرفیزیکی نیستند بلکه می‌توانند، ساختاری و یا قابل اندازه‌گیری نیز باشند و جزو عناصر اصلی در فرایند توسعه و بازآفرینی شهری محسوب می‌شوند (Francin, 2015: 17-2). وین آسوی<sup>۲</sup> و دون لوگان<sup>۳</sup> در تعریف پروژه‌های محرک توسعه به ساخت وسازهای فردی، پروژه‌ها و برنامه‌هایی که می‌توانند بر سایر پروژه‌ها و در نهایت بر شکل شهر تأثیرگذار باشد، اشاره دارند ( Attoe and Logan, 1989: 44-74). از آنجایی که محرک‌های توسعه، استراتژی‌های جدید و نوین بازآفرینی‌اند که توسعه

آرامگاه فانی)، وجود بقعه سی‌سر در محله و اراضی خالی و بدون کاربری (مناسب جهت پیاده‌سازی گونه‌های مختلف هنر عمومی موقت) می‌باشند. جهت دستیابی به امکان‌سنجی محرک‌های توسعه هنر عمومی در مرحله پیش از اجرا از طریق پرسشنامه سعی بر آن بود که میزان علایق و ترجیحات ساکنین محله در خصوص نصب و اجرای گونه‌های مختلف هنر عمومی سنجیده شود. این پرسش‌ها از نوع بسته بوده و براساس طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای تنظیم گردیده است.

جامعه‌ی آماری مورد مطالعه، ساکنین محله‌ی چهارراه مازندران واقع در شهر سمنان می‌باشد که برابر با ۵۵۰۴ نفر هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). حجم نمونه توسط فرمول کوکران، ۳۸۴ با سطح خطای ۰/۵، نفر محاسبه شده و نمونه‌گیری به‌صورت طبقه‌ای- با انتساب متناسب- صورت گرفته است. به‌منظور افزایش روایی پرسشنامه از نظرات کتبی و شفاهی کارشناسان متخصص در زمینه موضوع مورد مطالعه در دانشگاه‌ها و سایر سازمان‌های مرتبط استفاده شده است. به‌منظور پایایی پرسشنامه‌ها، ابتدا ۲۶ پرسشنامه توسط جامعه‌ی آماری مورد مطالعه تکمیل شد؛ سپس از روش آلفای کرونباخ برای تعیین پایایی آن استفاده شده است. مقدار آلفا برابر با ۰/۷۶ به‌دست آمد، که نشان می‌دهد پرسشنامه از پایایی خوبی برخوردار است. تمامی تحلیل‌های آماری نیز با استفاده از نرم‌افزارهای اسپاس و لیزرل انجام شده است.

### بازآفرینی فرهنگ‌مبنا

بازآفرینی در معنای لغوی آن، به‌معنی دوباره آفریدن چیزی است و اصطلاحی است که به تغییرات شهری از طریق بازطراحی، بازسازی و اغلب به تخصیص مجدد زمین شهری اشاره دارد (Kim, 2015: 337-338). دهه‌ی

شهری را هدایت می‌کنند و باعث افزایش تعداد کاربران در یک منطقه می‌شوند، بسیاری از شهرها از آن به‌عنوان اهرمی جهت احیای اقتصادی استفاده می‌کنند (Bohannon, 2004: 10-25). عموماً هدف کلی پروژه‌های محرک توسعه، ایجاد تغییر فوری در بستر است. به‌عبارت‌دیگر تغییرات را به‌سرعت افزایش می‌دهند و از آنجا که در عمل، کارا و متنوع هستند، فرصت‌های بسیار خوبی را جهت توسعه (Francin, 2015: 17-22) از طریق ایجاد اشتغال، جذب سرمایه (Inam, 2002)، ایجاد کارآفرینی (Oswalt and et al, 2013)، افزایش بازدیدکنندگان، افزایش جمعیت (Doucet, 2007: 1-27) و ارتقای کیفیت کالبدی از منظر زیبایی‌شناسی در سطوح مختلف ارائه می‌دهند (Francin, 2015: 17-22).

در خصوص انواع محرک‌های توسعه شهری نظرات گوناگونی وجود دارد، مطابق با نظر همیلتون<sup>۴</sup> (۲۰۰۹) پروژه‌های محرک توسعه را می‌توان در ساختمان‌های منفرد (مانند هتل، مجتمع‌های تجاری، موزه و ...)، محوطه‌ها (مراکز حمل‌ونقل و ...)، محلات مرکزی و در کوچک‌ترین مقیاس در قالب اجرای هنر عمومی ایجاد کرد (Ling, 2013: 27-28; Grodach, 2008: 195-212; Elnokaly and Elseragy, 2008: 8; Francin, 2015: 17-22).

هنر عمومی در واقع بیانی از هنرمند و جامعه است که در انواع فرم و ساختار متنوع در فرایندهای دائمی و موقت در فضاهای عمومی یافت می‌شود؛ این مجموعه شامل مجسمه‌ها، بناهای تاریخی، گذرگاه‌های سرپوشیده، دروازه‌ها و خیابان‌های طراحی شده، مبلمان، آثار هنری ادغام‌شده و جزء ساختمان‌ها مانند نقاشی‌های دیواری، جزئیات معماری و صفحات نمایشی دیجیتال نیز می‌باشند (Jasmi and Mohamad, 2016: 872-880).

## دستاوردهای نظری و عملی بهره‌گیری از هنر عمومی به‌عنوان محرک توسعه

هنر عمومی از دهه ۱۹۸۰ نقش بسیار مهمی در توسعه بازآفرینی در سه ابعاد فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی شهر داشته است (Sharp et al, 2005: 1004-1007)؛ از این رو پس از موفقیت چشم‌گیر آن در بسیاری از نقاط جهان، از امکانات فرهنگی و سایر فعالیت‌های هنری به‌عنوان عامل «هدایت‌کننده و محرک» در بازآفرینی استقبال شده است (Palermo, 2014: 521-545; Tornaghi, 2008: 1-6). در این زمینه طیف گسترده‌ای از نظریه‌پردازان بر این باورند هنر عمومی به ارتقای حس هویت، حس مکان، مقابله با محرومیت‌های اجتماعی، افزایش استفاده از فضای شهری، تشویق به توسعه اقتصادی، ارتقای آموزش عمومی، کاهش جرم، افزایش سرمایه‌گذاری، مشارکت محلی، تقویت اقتصاد گردشگری، کمک به هویت مدنی و ترویج تغییرات اجتماعی کمک شایانی می‌کند (Palermo, 2014: 521-545; Sharp et al, 2005: 1004-1007; Zheng, 2017: 89-101; Amnuay-ngerntna, 2016: 90-102; Tomaghi, 2008: 1-6). هنر عمومی به‌عنوان نوعی سرمایه فرهنگی، توانایی ارتقای اقتصاد شهری و سرزندگی از طریق محوطه‌سازی و تبلیغات را داشته و به توسعه شهری نیز کمک می‌کند. همچنین موجب افزایش سرزندگی، جنبش شهری، افزایش جذابیت مکان‌های گردشگری، امکان بازسازی اقتصادی، تمایز محلی، جذب شرکت‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها، افزایش ارزش زمین، ایجاد اشتغال، استفاده از فضاهای باز و کاهش فرسایش ساختمان‌ها در سطوح مختلف شهر می‌شود (Palermo, 2014: 521-545; Zheng, 2017: 89-101). هنر عمومی با افزایش کیفیت زندگی در بافت‌های فرسوده از طریق جانمایی مناسب در خیابان‌ها و جداره‌ها، فضاهای ناپایدار را تبدیل به فضاهای پرجنب‌وجوش می‌نماید (Remesar, 2005: 128-138). نهایتاً با توجه به موفقیت‌های چشم‌گیر هنر عمومی در ابعاد مختلف

اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و زیبایی شناسی، دستاوردهای آن  
 به عنوان محرک توسعه در سیاست‌های بازآفرینی مطابق با  
 مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته در جدول شماره ۱  
 قابل ارائه می‌باشد.

منابع	اجتماعی-فرهنگی	اقتصادی	زیبایی شناسی	ابعاد	
				دستاوردهای محرک توسعه هنر عمومی	جذابیت محلی
Omar et al., 2016: 515-524; Zheng, 2017: 89-101			*		استفاده متمرکز از فضا
	*		*		افزایش ساعات بهره‌وری
Palermo, 2014: 521-545; Sharp et al., 2005: 1004-1007; Zheng, 2017: 89-101; Omar et al., 2016: 515-524; Guetzkow, 2002: 1-10; Remesar, 2005: 128-138, Hall and Robertson, 2001: 7; Amnuay-ngertra, 2016: 90-102	*	*			ایجاد اشتغال و فرصت تجاری
	*	*			جذب سرمایه
	*	*			افزایش ارزش زمین
	*	*			جذب توریست محلی و گردشگران بومی و خارجی
	*	*			توسعه اقتصاد خانگی و زنان
Matarasso, 1997; Grove, 2009: 4-6; Amnuay-ngertra, 2016: 90-102; Zebracki et al., 2016: 786-788, Zheng, 2017: 89-101, Turk, 2014: 16-45; Hall and Robertson, 2001: 7; Baklien, 2000: 235-257	*	*			افزایش امنیت اجتماعی
	*		*		افزایش هویت شهری
	*				توسعه آموزش
	*				توسعه تعاملات اجتماعی
	*				توسعه فرهنگ

### ج ۱. دستاوردهای نظری هنر عمومی به عنوان محرک توسعه در سیاست‌های بازآفرینی.

از طریق طراحی پارک، پل، ورودی محله، پیاده‌راه، مرمت بناهای تاریخی و ایجاد خرده‌فروشی‌های متعدد باعث ایجاد معنا و هویت ازدست‌رفته به این شهر گردید و زمینه‌ای را برای ایجاد همکاری و ارتباط قوی میان طراحان شهری، معماران و هنرمندان میسر نمود. همچنین اجرای این طرح موجب افزایش حس مکان، کیفیت زندگی، جمعیت، رونق اقتصادی، ایجاد فرصت جهت برگزاری کنسرت‌ها و نمایش‌های خیابانی و دیگر رویدادهای فرهنگی گردید (تصویر شماره ۱). (Phoenix Initiative Coventry, 2003: 1-10)

طی سال‌های گذشته تجارب عملی متعددی در زمینه بهره‌گیری از هنر عمومی در بازآفرینی در کشورهای آمریکا، آسیا و اروپا صورت گرفته است. از نمونه این تجارب می‌توان به طرح ققنوس<sup>۵</sup> در سال ۱۹۹۷ در شهر کاونتری<sup>۶</sup> واقع در انگلستان اشاره داشت. این طرح به عنوان یکی از مهم‌ترین پروژه‌های بازآفرینی مورد توجه قرار گرفته است و طرح جامع آن به کمک شورای شهر در سال ۱۹۹۷ آغاز و با هدف آشتی میان گذشته و آینده تعیین گردیده است. طرح ققنوس با تزریق زندگی اجتماعی و همچنین ایجاد رونق اقتصادی



ت ۱. معرفی گونه‌های مختلف هنر عمومی در طرح ققنوس، انگلستان، منبع: Phoenix Initiative Coventry, 2003: 1-10.

کارخانه‌های کوچک مابین هوستون و خیابان‌های کانال، عملاً بی‌نام بود. پس از جنگ جهانی دوم و با رشد و توسعه‌ی آزادراه، این محله، کاملاً قدیمی و کهنه محسوب

در سال ۱۹۷۰ در کشور آمریکا، منطقه منهتن، شهر نیویورک پروژه‌ای در محله سوهو<sup>۷</sup>، به اجرا درآمد. ابتدا این محله‌ی قرن نوزدهمی متشکل از کارگاه‌ها، انبارها و

هنری در جهان بدل کردند (برمن، ۱۳۸۹: ۸۷). هنرمندان از طریق برگزاری کنسرت‌های پاپ، به نمایش گذاشتن تجربیات روزانه از طریق آثار هنری، نمایش سبک‌های جدید طراحی، برگزاری نمایشگاه‌ها، ایجاد کارگاه‌های مجسمه‌سازی، افتتاح گالری‌های هنری و ... ساختمان‌های فراموش شده را زنده کردند که موجب افزایش خرید و فروش، قیمت زمین، سرزندگی در محله گردید (تصویر شماره ۲) (Ranney, 2012: 23).

می‌شد و در برنامه‌ریزی‌های دهه‌ی ۱۹۵۰ نوبت تخریب آن فرارسیده بود. اما در اوایل و نیمه‌ی دهه ۱۹۶۰ ائتلاف عجیبی از گروه‌های متفاوت و عموماً متخاصم - پیر و جوان، انقلابی و ارتجاعی، یهودیان، ایتالیایی‌ها، پورتوریکویی‌ها و چینی‌ها - شکل گرفت که موجب لغو طرح تخریب گردید. در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰، هزاران هنرمند به این محله رو آوردند و ظرف چند سال، این فضای بی‌نام را به یکی از مراکز پیشروی تولید



ت ۲. استفاده از هنر عمومی در محله سوهو، آمریکا، منبع: Ranney, 2012: 23.

از برج‌های واقع در این محدوده بود. این برنامه فرصت خوبی را فراهم آورد تا هنرمندان با ساکنین بومی محل معاشرت داشته باشند و با آنان ارتباط برقرار کنند و بتوانند برای خلق آثار هنری از آن‌ها ایده بگیرند. نهایتاً می‌توان گفت اسکان هنرمندان، برگزاری نمایشگاه‌های هنری و گالری‌ها موجب افزایش قیمت زمین، توسعه‌ی برنامه به مناطق دیگر، افزایش اطمینان و اعتماد ساکنین گردید (تصویر شماره ۳) (Palermo, 2014: 521-545).

همچنین طی سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۴ دو پروژه‌ی مشابه دیگر در محله‌ی شیل پارک واقع در لیورپول انگلستان، با عنوان بالا در هوا و بیشتر در هوا<sup>۱</sup>، به اجرا درآمد. محله شیل پارک دارای بافتی فرسوده شامل بلوک‌های برج مانند است. هدف این پروژه انتخاب و دعوت از برخی هنرمندان به زندگی و کار در ساختمان‌های فرسوده به‌عنوان بخشی از پروژه توسعه و بازآفرینی بوده است. اولین فاز این برنامه، شامل اقامت هنرمندان به‌صورت ماهانه در یکی



ت ۳. معرفی پروژه بالا در هوا و بیشتر در هوا، انگلستان، منبع: Palermo, 2014: 521-545.

بازمی‌گردد. این روستا در اصل انباری بود که ژاپنی‌ها برنج در آن ذخیره می‌کردند. استعمارگران ژاپنی آن را در سال ۱۹۲۰ تأسیس کردند و همچنان به استفاده از آن به‌عنوان ذخیره‌سازی برنج ادامه دادند. با گذشت زمان این روستا

در سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۱ در کره جنوبی پروژه‌ی هنری ساملا<sup>۲</sup> واقع در روستای جئولا<sup>۱</sup>، به اجرا درآمد. روستای ساملا یکی از فقیرترین روستاهای شمال شهر جئولا است، تاریخی آن در اوایل قرن بیستم به دوره استعماری

انبارها به کافه، کارگاه‌های آموزشی، کتابخانه و موزه بود که موجب افزایش جمعیت، رونق اقتصادی و افزایش مشارکت میان مسئولین و ساکنین شد (تصویر شماره ۴) (Kim, 2015: 337-342).



ت ۴. معرفی گونه‌های مختلف هنر عمومی در پروژه هنری ساملا، کره جنوبی،

منبع: Kim, 2015: 337-342

و تجارب جهانی در قالب هنر منظر (مبلمان، فضای سبز)، هنر نقاشی (نقاشی دیواری، گرافیتی، موزائیکی و کنده‌کاری)، هنر معماری (موزه، چایخانه، رستوران و آموزشگاه)، هنر مجسمه‌سازی (المان، مجسمه و یادبود)، هنر زنده (نمایش خیابانی، مسابقات، نمایشگاه، اسکان هنرمندان و جشنواره) و هنر دیجیتال (نورپردازی، صداگذاری و پخش فیلم) جمع‌آوری گردید، می‌توان انواع هنر عمومی را نیز از نظر ابعاد زمانی (دائمی و موقت)، فضای جانمایی (عمومی، نیمه‌عمومی و خصوصی) و نوع (ثابت، نیمه‌ثابت و غیرثابت) مطابق جدول شماره ۲ دسته‌بندی نمود.



ت ۵. معرفی گونه‌های مختلف هنر عمومی استفاده‌شده در مالزی، منبع: -Jasmi and Mohamad, 2016: 872-

(880; Omar et al., 2016: 515-524; Bakar et al, 2014: 230- 241)

بافت فرسوده محدود شده است (شکل شماره ۶). به لحاظ کالبدی این محله دارای قوت و فرصت‌های بسیاری جهت به اجرا درآمدن گونه‌های مختلف هنر عمومی است که از جمله‌ی آن می‌توان به فضاهای بلااستفاده، هم‌جواری آن با بافت تاریخی، وجود

به دلیل عدم توجه مقامات شهری فرسوده و غیرقابل استفاده گردید. از این‌رو مقامات محلی تصمیم به احیای آن نمودند. از جمله اقدامات انجام‌شده در این روستا برگزاری گالری‌ها، نمایشگاه‌ها، تغییر کاربری تعدادی از سوله‌ها و

در سال ۲۰۱۰ نیز در کشور مالزی پروژه‌های متنوعی با استفاده از گونه‌های مختلف هنر عمومی مانند نقاشی دیواری، مجسمه و المان، مبلمان و استفاده از گیاهان رونده در جداره‌های شهری اجرا گردید که منجر به افزایش مشارکت، تعامل میان مردم، دولت و شرکت‌های خصوصی، جذب گردشگر، افزایش تجمع‌پذیری و ایجاد سرزندگی شد (تصویر شماره ۵) (Jasmi and Mohamad, 2016: 872-880; Omar et al., 2016: 515-524; Bakar et al, 2014: 230- 241).

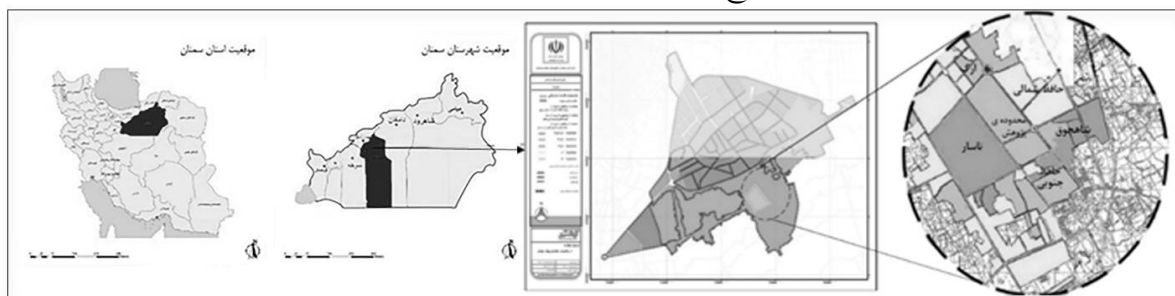
شناسایی انواع هنر عمومی به‌عنوان محرک توسعه با توجه به انواع مختلف هنر عمومی که در کتب، مقالات

#### محدوده‌ی مورد مطالعه

بستر پژوهش مورد مطالعه محله چهارراه مازندان در شهر سمنان می‌باشد. محله چهارراه مازندان محدوده‌ای دارای بافت فرسوده است که از جانب غرب هم‌جوار با بافت تاریخی و سایر هم‌جواری‌های آن نیز به

از سابقه‌های هنری و فرهنگی سمنان پرداخته می‌شود تا پس از شناسایی فرهنگ و هنر شهر سمنان اقدام به بومی‌سازی مؤلفه‌های هنر عمومی حاصل از تجارب جهانی گردد.

بقعه‌ی سی‌سر و دسترسی‌های موجود در بافت اشاره داشت. با توجه به رویکرد پژوهش (بهره‌گیری از هنر عمومی محله) در راستای تصمیم‌گیری جهت گونه‌های مختلف هنر عمومی در ادامه به شرح مختصری



ت ۶. معرفی محدوده‌ی مورد مطالعه، منبع: نگارندگان.

منابع	جانمایی			نوع			زمان			مصادیق	انواع هنر- عمومی	
	خصوصی			عمومی			نوع					
	۱	۲	۳	۱	۲	۳	۱	۲	۳			
Jasmi and Mohamad, 2016; Remesar, 2005; Palermo, 2014; Landi, 2012; Phoenix Initiative Coventry, 2003; Mikulay, 2007; Bakar, 2014; Lakhanpal, 2013 و معروفی و انصاری، ۱۳۹۰ موسویان و اردلانی، ۱۳۹۴	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	میلان	هنر منظر
	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	فضای سبز	
Lakhanpal, 2013; Jasmi and Mohamad, 2016; Omar et al., 2016; Bakar, 2014; Van Loon2014; Awad, 2017	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	نقاشی دیواری	هنر نقاشی
	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	گرافیتی	
	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	موزائیکی	
	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	کنده‌کاری	
Kim, 2015; Kana, 2012; hoenix Initiative Coventry, 2003; Lakhanpal, 2013	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	موزه	هنر معماری
	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	کافه	
	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	رستوران	
Jasmi and Mohamad, 2016; Remesar, 2005; Kana, 2012; Lakhanpal, 2013; Landi, 2012; Mikulay, 2007; Bakar, 2014	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	آموزشگاه	هنر مجسمه سازی
	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	المان	
Raney, 2012; 37. Tornaghi: 2008; Mikulay, 2007; Blackman, 2011: 137-152; Kim, 2015: 337-342; Palermo, 2014: 521-545; Kana, 2015: 151-163	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	نمایش خیابانی	هنر زنده
	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	مسابقات	
	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	نمایشگاه	
	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	اسکان هنرمندان	
Jasmi and Mohamad, 2016; Phoenix Initiative Coventry, 2003; Lakhanpal, 2013	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	جشنواره	هنر دیجیتال
	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	نورپردازی	
	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	صداگذاری	
	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	نمایش فیلم	

ج ۲. معرفی ابعاد هنر عمومی.

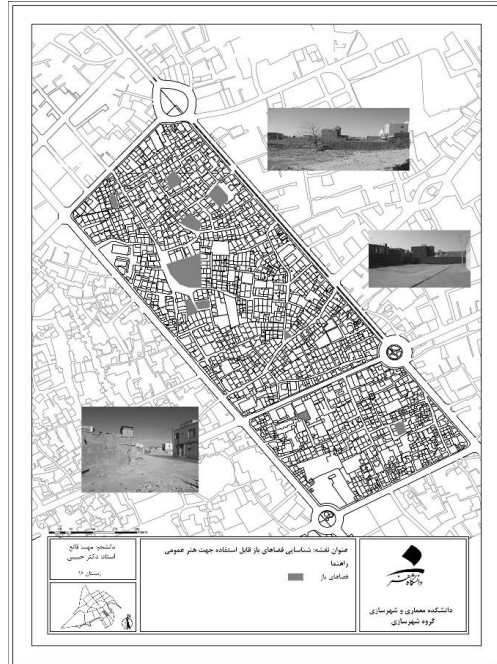
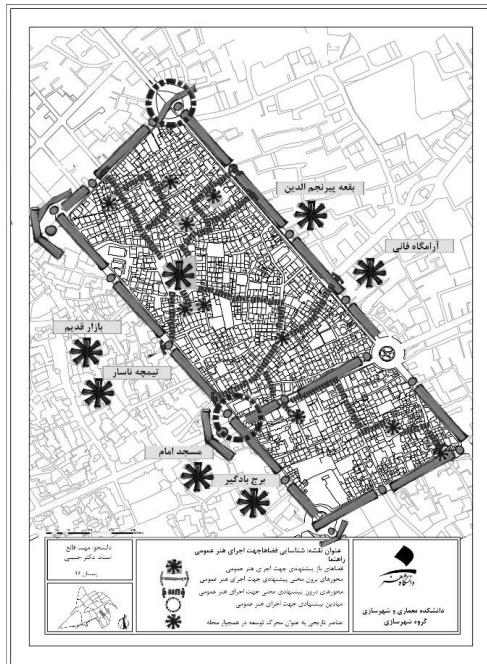
دارای موسیقی بومی تأثیرگذاری است، به گونه‌ای که در گذشته، نوازندگان و یا گروه‌هایی تحت عنوان لوطی‌باشی

معرفی فرهنگ و هنر شهر سمنان از نظر تاریخی سمنان یکی از مناطق کهن ایران است که



در زمینه صنایع دستی می‌توان به نمدمالی، پلاس‌بافی، گلیم‌بافی، گلچ، جاجیم‌بافی و سفال‌گری اشاره کرد. نهایتاً با مطالعات میدانی صورت‌گرفته و پتانسیل‌های موجود در سایت که پیش‌تر بدان اشاره شد، فضاهای دارای پتانسیل جهت اجرای گونه‌های مختلف هنر عمومی مورد شناسایی قرار گرفت (تصویر شماره ۷) که در جدول شماره ۳ اقدام به جمع‌آوری و بومی‌سازی مصادیق کاربردی هنر عمومی گردید.

به فعالیت‌های موسیقایی می‌پرداختند. ترانه‌های مردمی و عامیانه نیز به‌طور گسترده و فراگیر مورداستفاده بوده و دارای مضامینی چون نقد، طنز یا هجو می‌باشند که از سوی خوانندگان مورد توجه بوده است (اتوکش و عباس زاده، ۱۳۹۱: ۳۵-۲۰۰). در زمینه تئاتر و نمایش‌های خیابانی می‌توان گفت از قدیم، نمایش کشتی، چوبا (راه رفتن و انجام عملیات روی چوب‌های بسیار بلند)، روحوضی، میمون‌بازی و ... در سمنان رایج بوده است.



ت ۷. شناسایی پتانسیل‌های سایت جهت اجرا و پیاده‌سازی گونه‌های مختلف هنر عمومی، منبع: نگارندگان.

### بحث و نتیجه آنالیز

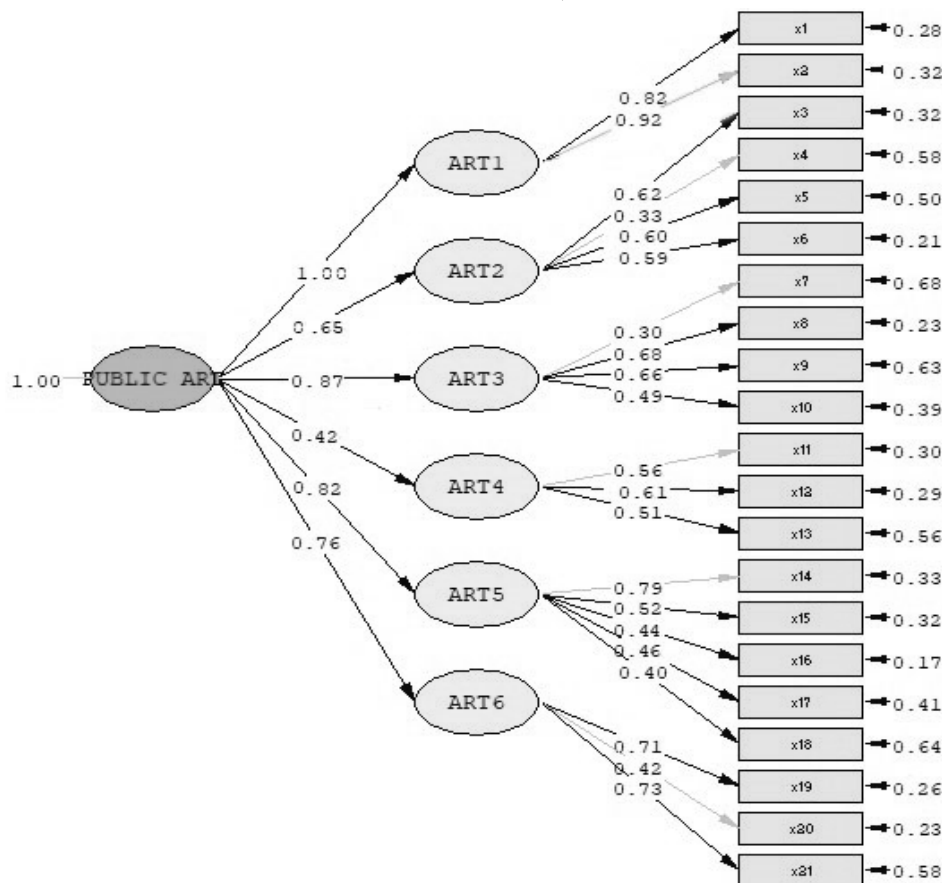
هنر عمومی در بافت‌های فرسوده نشده است، لذا این پژوهش بر آن شد تا نشان دهد هنر عمومی علاوه بر دستاوردهای زیبایی‌شناختی، دارای تأثیرات اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی در بافت فرسوده و فاقد ارزش نیز می‌باشد و پتانسیل آن را دارد که به‌عنوان محرک توسعه جهت بهبود بافت فرسوده در مدت‌زمان کوتاه استفاده گردد. در این راستا در پژوهش حاضر سعی شده است

بحث امکان‌سنجی از قابلیت و توانایی‌های هنر عمومی به‌عنوان محرک توسعه در فرایند بازآفرینی دارای ابعاد و مؤلفه‌های مختلف اندازه‌گیری است. با توجه به‌اینکه در پژوهش‌های گذشته بیشتر بر نقش عمومی در ابعاد زیبایی‌شناختی و نهایتاً فرهنگی در بافت‌های دارای ارزش تأکید شده و تأثیر آن در بافت‌های تاریخی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته، هیچ‌گونه توجهی به نقش

قابلیت‌های هنر عمومی به‌عنوان محرک توسعه در شش مؤلفه هنر منظر، هنر نقاشی، هنر معماری، هنر مجسمه‌سازی، هنر زنده و هنر دیجیتالی مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به اینکه هر کدام از مؤلفه‌ها دارای شاخص‌های جداگانه‌ای هستند بنابراین لازم است، اهمیت و اولویت استفاده از هر کدام از شاخص‌های هنر عمومی به‌عنوان محرک توسعه مورد بررسی قرار گیرد. لذا به‌منظور بررسی اولویت‌بندی شاخص‌های هنر عمومی پرسشنامه در اختیار ساکنان جهت پیاده‌سازی این پروژه‌ها و امکان مشارکت آن‌ها داده شد. داده‌های جمع‌آوری شده وارد نرم‌افزار SPSS و سپس لیزرل گردید و با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی مرحله دوم میزان

اهمیت هر یک از شاخص‌ها و مؤلفه‌ها از نظر ساکنان مشخص گردید.

با توجه به اینکه ساکنان بیشترین تأثیر را از مداخلات می‌بینند بنابراین نظر آن‌ها اهمیت زیادی دارد و نظرخواهی از ساکنان سبب مشارکت فعال در اجرای اقدامات بازآفرینی دارد. به‌منظور بررسی هنر عمومی به‌عنوان محرک توسعه در مؤلفه هنر منظر از دو شاخص، مؤلفه هنر نقاشی چهار شاخص، مؤلفه هنر مجسمه‌سازی سه شاخص، مؤلفه هنر زنده پنج شاخص و مؤلفه هنر دیجیتالی سه شاخص استفاده شده است. بار عاملی بین صفر تا یک میزان اهمیت هر یک از شاخص‌ها را نظر ساکنان نشان می‌دهد (تصویر شماره ۸) (جدول شماره ۴).



ت ۸. تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم شاخص‌های هنر عمومی به‌عنوان محرک توسعه.

انواع هنر عمومی	مصادیق	کاربردها	محرک توسعه																	
			اقتصادی	اجتماعی-فرهنگی																
هنر منظر	مبلمان  فضای سبز	وسایل ورزشی ساعت تابلو علائم راهنمایی تابلوی تبلیغاتی کف سازی سطل زیاله نیمکت فواره ایستگاه حمل و نقل عمومی تجهیزات نور و روشنایی درخت آرایه گیاهان رونده	- جذابیت محلی - استفاده متمرکز از فضا	- افزایش امنیت اجتماعی - توسعه تعاملات اجتماعی	- افزایش ساعات بهره وری															
						هنر نقاشی	نقاشی دیواری گرافیتی موزائیکی کنده کاری	- جذابیت محلی	- توسعه آموزش - توسعه فرهنگ - افزایش هویت شهری	- جذب توریست محلی و گردشگر بومی و خارجی										
											هنر معماری	آموزشگاه موزه چایخانه سفره خانه نقاشی نخطاطی مجسمه سازی موسیقی *صنایع دستی	- استفاده متمرکز از فضا	- توسعه آموزش - توسعه فرهنگ - توسعه تعاملات اجتماعی	- جذب سرمایه - ایجاد اشتغال و فرصت تجاری - افزایش زمین و ساعات بهره وری					
																هنر مجسمه سازی	المان مجسمه یادبود	- جذابیت محلی	- توسعه آموزش - افزایش هویت شهری - توسعه فرهنگ	- جذب توریست محلی و گردشگر بومی و خارجی - افزایش ساعات بهره وری
						هنر دیجیتال	نورپردازی صداگذاری نمایش فیلم	- جذابیت محلی - استفاده متمرکز از فضا	- توسعه آموزش - افزایش هویت شهری - توسعه فرهنگ	- افزایش ساعات بهره وری - جذب توریست محلی و گردشگر بومی و خارجی										

ج ۳. مصادیق کاربردی هنر عمومی، منبع: نگارندگان.

متغیر پنهان	نشانهگر	ضریب محاسبه شده	شاخص مشاهده پذیر	نشانهگر	ضریب محاسبه شده	معنی داری (p)	اولویت
مؤلفه هنر منظر	ART1	۱.۰۰	مبلمان	X1	۰.۸۲	***	۲
			فضای سبز	X2	۰.۹۲	***	۱
مؤلفه هنر نقاشی	ART2	۰.۶۵	نقاشی دیواری	X3	۰.۶۲	***	۸
			گرافیتی	X4	۰.۳۳	***	۲۰
			موزاییکی	X5	۰.۶۰	***	۱۰
			کنده کاری	X6	۰.۵۹	***	۱۱
			موزه	X7	۰.۳۰	***	۲۱
مؤلفه هنر معماری	ART3	۰.۸۷	چایخانه	X8	۰.۶۸	***	۵
			سفره خانه	X9	۰.۶۶	***	۶
			آموزشگاه	X10	۰.۴۹	***	۱۵
مؤلفه هنر مجسمه سازی	ART4	۰.۴۲	المان	X11	۰.۵۶	***	۱۲
			مجسمه	X12	۰.۶۱	***	۹
			یادبود	X13	۰.۵۱	***	۱۴
مؤلفه هنر زنده	ART5	۰.۸۲	نمایش خیابانی	X14	۰.۷۹	***	۳
			مسابقات	X15	۰.۵۲	***	۱۳
			نمایشگاه	X16	۰.۴۴	***	۱۷
			اسکان هنرمندان	X17	۰.۴۶	***	۱۶
			جشنواره	X18	۰.۴۰	***	۱۹
مؤلفه هنر دیجیتالی	ART6	۰.۷۶	نورپردازی	X19	۰.۷۱	***	۷
			صداگذاری	X20	۰.۴۲	***	۱۸
			نمایش فیلم	X21	۰.۷۳	***	۴

#### ج. ۴. ضرایب محاسبه شده متغیرها و شاخص های تحقیق.

با توجه به نتایج تحلیل عاملی می توان گفت شاخص فضای سبز مربوط به مؤلفه هنر منظر با ضریب ۰.۹۲ دارای بالاترین امتیاز و سپس شاخص های مبلمان (۰.۸۲)، نمایش خیابانی (۰.۷۹)، نمایش فیلم (۰.۷۳) و چایخانه (۰.۶۸) به ترتیب در اولویت های بعدی قرار گرفته اند. همچنین شاخص های جشنواره (۰.۴۰)، گرافیتی (۰.۳۳) و موزه (۰.۳۰) در اولویت های آخر جدول قرار گرفته است که نشان می دهد دارای اهمیت کمتری جهت نصب و اجرا هستند.

به منظور بررسی معتبر بودن مدل از شاخص های کلی برازش استفاده گردید. شاخص های برازش در چهار نوع مطلق، نسبی، موجز و تطبیقی استفاده شده است. در زمینه شاخص های مطلق باید گفت که شاخص خلی دو

(cmin) با مقدار ۱۹۴۱.۷۹۸ و مقدار P برابر با ۰.۰۵۲ نتایج مطلوبی را در ارتباط با مدل مورد بررسی ارائه می دهد. در رابطه با شاخص های نسبی باید گفت که مقدار ۰.۰۳۸ برای شاخص ریشه دوم میانگین مربعات باقیمانده (RMSEA) مدل مورد بررسی را در وضعیت مطلوبی گزارش می کند. همچنین مقدار خلی دو نسبی (CMIN/DF) برابر با ۲.۳۳ به دست آمده و این مقدار نیز حکایت از وضعیت قابل قبول برای مدل می باشد. شاخص های موجز (مقتصد) PNFI و PCFI که در اصل میزان پیچیدگی مدل را برای مبنای تعداد پارامترهای تخمین زده ده و اجتناب مدل از گنجانیدن پارامترهای اضافی را مورد سنجش قرار می دهد به ترتیب با مقادیر ۰.۵۶۳ و ۰.۶۵۱ به سبب مقدار بزرگ تر از ۰.۵

با توجه به نتایج تحلیل عاملی می توان گفت شاخص فضای سبز مربوط به مؤلفه هنر منظر با ضریب ۰.۹۲ دارای بالاترین امتیاز و سپس شاخص های مبلمان (۰.۸۲)، نمایش خیابانی (۰.۷۹)، نمایش فیلم (۰.۷۳) و چایخانه (۰.۶۸) به ترتیب در اولویت های بعدی قرار گرفته اند. همچنین شاخص های جشنواره (۰.۴۰)، گرافیتی (۰.۳۳) و موزه (۰.۳۰) در اولویت های آخر جدول قرار گرفته است که نشان می دهد دارای اهمیت کمتری جهت نصب و اجرا هستند.

به منظور بررسی معتبر بودن مدل از شاخص های کلی برازش استفاده گردید. شاخص های برازش در چهار نوع مطلق، نسبی، موجز و تطبیقی استفاده شده است. در زمینه شاخص های مطلق باید گفت که شاخص خلی دو

بیانگر تناسب مدل می‌باشند. شاخص‌های تطبیقی IFI و CFI که سنجشگر میزان انطباق مدل بررسی شده با داده‌های موجود هستند نیز هر یک با مقادیر ۰.۹۰۱ و ۰.۹۰۲ نیکویی برازش مدل را مورد تأیید قرار داده‌اند، چراکه هر دو شاخص میزانی بیش از ۰.۹ را نمایش داده‌اند (جدول شماره ۵).

نوع شاخص	شاخص	مقدار به دست آمده	مقدار قابل تائید	نتیجه
مطلق	CMIN	۱۹۴۱.۷۹۸	بزرگ‌تر از ۰.۰۵ مقدار	تأیید نیکویی برازش
	DF	۸۲۱		
	P	۰.۰۵۲		
نسبی	RMSEA	۰.۰۳۸	کوچک‌تر از ۰.۰۵	تأیید نیکویی برازش
	CMIN/DF	۲.۳۳	مقدار بین ۱ تا ۳	تأیید نیکویی برازش
موجز (مقتصد)	PNFI	۰.۵۶۳	مقدار بزرگ‌تر از ۰.۰۵	تأیید نیکویی برازش
	PCFI	۰.۶۵۱	مقدار بزرگ‌تر از ۰.۰۵	تأیید نیکویی برازش
تطبیقی	IFI	۰.۹۰۱	مقدار بزرگ‌تر از ۰.۹	تأیید نیکویی برازش
	CFI	۰.۹۰۲	مقدار بزرگ‌تر از ۰.۹	تأیید نیکویی برازش

### ج ۵. شاخص‌های نیکویی برازش مدل.

نوسازی و هوای تازه دارد، با گذر عمر شهرها، افزوده شدن بخش‌ها و شهرک‌های جدید به ساختار شهری و بالارفتن سن بافت‌های قدیمی‌تر، مدیریت شهری با پدیده‌ای به نام بافت فرسوده مواجه می‌شود. وجود بافت‌های فرسوده در سال‌های اخیر به‌ویژه در شهر سمنان مشکلات زیادی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، کارکردی و بصری در پی داشته است که یکی از مهم‌ترین مشکلات آن، خالی شدن بافت از سکنه، افزایش ناامنی، فقدان تعاملات اجتماعی - فرهنگی و اتلاف پول و سرمایه است که در نتیجه آن این‌گونه بافت‌ها تبدیل به زیست‌گاهی برای شهروندان با شرایط اقتصادی ضعیف‌تر می‌شود.

در این راستا استفاده از رویکردهای نوین توسعه شهری به منظور جان‌بخشی دوباره به این بافت‌ها ضروری است. در جهت حل مسائل و مشکلات یادشده بهره‌گیری از محرک‌های توسعه جهت بازآفرینی بافت فرسوده یکی از راهکارهای نوین در سیاست‌های شهری است و منجر به حل و فصل مسائل شهری در جهت بهبود مستمر در زمینه‌های اقتصادی، فیزیکی و اجتماعی - فرهنگی می‌شود. آنچه در این پژوهش مورد مطالعه و تأکید قرار گرفت

بنابراین می‌توان گفت نتایج حاصل از پرسشنامه نیز که از طریق تحلیل مدل عاملی تأییدی مرتبه دوم بررسی، اولویت‌بندی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت حاکی از آن بود که هنر منظر بیشترین تأثیر را در زمینه بازآفرینی محله مورد مطالعه دارد. شایان ذکر است این یافته همسو با نظر برخی متخصصین و مطالعات خارجی در خصوص اجرای سیاست‌های هنر عمومی به‌عنوان محرک توسعه جهت بازآفرینی بافت‌های فرسوده است (Palermo, 2014: 521-545; Phoenix Initiative Coventry, 2003: 1-10; Abu Bakar et al, 2014: 230-241). سایر اولویت‌ها به ترتیب مربوط به هنر معماری، هنر زنده، هنر دیجیتال بود. این یافته نیز با برخی از تجارب جهانی سازگار است (Raney, 2012: 23; Palermo, 2014: 521-545; kana, 2012: 151-163). هنر نقاشی و هنر مجسمه‌سازی نیز کمترین امتیاز را داشتند، این یافته با برخی تجارب جهانی مغایرت دارد (Omar et al., 2016: 515-524; Jasmi and Mohamad, 2016: 872-880).

### نتیجه

شهرنشینی مانند هر پدیده دیگری نیاز به به‌روزرسانی،

بهره‌گیری از هنر عمومی به‌عنوان محرک توسعه است. با توجه به اینکه مداخلات فرهنگی و هنری از جمله موارد مورد تأکید در بازآفرینی فرهنگ‌مبنا می‌باشد، در این پژوهش ابتدا با بررسی، مطالعات اسنادی و تجارب جهانی نشان داده شد قابلیت‌ها و توانایی‌های هنر عمومی به‌عنوان محرک توسعه دارای موفقیت‌های چشم‌گیری در زمینه‌های اجتماعی فرهنگی (افزایش تعاملات اجتماعی، مشارکت‌پذیری، افزایش هویت‌مندی، افزایش امنیت اجتماعی، توسعه آموزش و فرهنگ)، اقتصادی (ایجاد اشتغال و فرصت تجاری، افزایش ساعات بهره‌وری، افزایش ارزش زمین، توسعه اقتصاد خانگی و زنان، جذب سرمایه و جذب توریست محلی و گردشگران بومی و خارجی) و زیبایی‌شناسی کالبدی (جذابیت محلی، استفاده متمرکز از فضا) است.

سپس پس از بررسی گونه‌های مختلف هنر عمومی به‌دست‌آمده از دیدگاه‌های نظری و تجارب جهانی موفق و با مطالعه فرهنگ و هنر محله مورد مطالعه، اقدام به بومی‌سازی شاخص‌های هنر عمومی (مبلمان، فضای سبز، نقاشی دیواری، گرافیتی، موزائیکی، کنده‌کاری، موزه، چایخانه، سفره‌خانه، آموزشگاه، المان، مجسمه، یادبود، نمایش خیابانی، مسابقات، نمایشگاه، اسکان هنرمندان، جشنواره، نورپردازی، صداگذاری و پخش فیلم) گردید. در نهایت با شناسایی پتانسیل‌های سایت و همچنین با نظرسنجی از ساکنین محله، جهت اجرا و پیاده‌سازی آن در محدوده‌ی مورد مطالعه، از طریق امکان‌سنجی در مرحله پیش از اجرا، گونه‌های مختلف هنر عمومی اولویت‌بندی گردید. در این خصوص اولویت اول مربوط به هنر منظر می‌باشد و سایر موارد به ترتیب شامل هنر معماری، هنر زنده، هنر دیجیتال، هنر نقاشی و هنر مجسمه‌سازی بوده است. نهایتاً مطابق با خواسته‌ها و سلاقی ساکنین پیشنهاداتی

جهت اجرا و پیاده‌سازی هنر عمومی به شرح زیر ارائه شده است:

- کاشت درختان و استفاده از گیاهان رونده در خیابان‌های اصلی محله
- جانمایی مبلمان در فضاهای باز و خیابان‌های اصلی محله
- استفاده از فضاهای باز موجود در محله جهت برگزاری نمایش‌های خیابانی، برگزاری نمایشگاه‌ها و مسابقات
- پخش فیلم در فضاهای باز موجود در محله
- جانمایی سفره‌خانه و چایخانه در خیابان‌های اصلی
- نورپردازی و صداگذاری در خیابان‌های فرعی محله
- استفاده از نقاشی‌های دیواری در جداره‌های خیابان‌های فرعی
- جانمایی مجسمه، یادبود و المان در میدین و فضاهای باز محله

### پی‌نوشت

1. Aldo Rossi
2. Wayne Attoe
3. Donn Logan
4. Hamilton
5. Phoenix
6. Conventry
7. Soho
8. Up in the Air and Further Up in the Air
9. Samlye
10. Jeolla

### فهرست منابع

- اتوکش، مازیار؛ عباس‌زاده، عبدالله. (۱۳۹۱)، سیمای فرهنگ و طبیعت استان سمنان، انتشارات کریم‌خان زند.
- برمن، مارشال. (۱۳۸۹)، تجربه‌ی مدرنیته (ترجمه مراد فرهادپور) تهران انتشارات طرح نو.
- سجادزاده، حسن؛ زلفی‌گل، سجاد. (۱۳۹۴)، طراحی شهری در بازآفرینی محلات مسکونی با رویکرد محرک توسعه نمونه موردی: محله کلپا همدان. فصل‌نامه آمایش محیط شماره ۳۱.

- Grodach, C. (2008). Museums as urban catalysts: The role of urban design in flagship cultural development. *Journal of urban design*, 13(2), 195-202.
- Grove, Laurie (2009), London Borough of Lewisham Public Art Strategy
- Hall, T., & Robertson, I. (2001). Public art and urban regeneration: advocacy, claims and critical debates.
- Inam, A. 2002: Meaningful urban design: teleological, catalytic, relevant. *Journal of Urban Design*, 7(1), 35-58
- Jackson, Margaret Harriet (2010), the ephemeral effect temporary architecture as urban catalyst, presented to the faculty of department of architecture wentworth institute of technology
- Jasmi, M. F., & Mohamad, N. H. N. (2016). Roles of Public Art in Malaysian Urban Landscape towards Improving Quality of Life: Between Aesthetic and Functional Value. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 222, 872-880.
- Kana, K. (2012). An experiment in urban regeneration using culture and art in Senba, Osaka's historic urban center, with a focus on the regeneration of urban space. *City, Culture and Society*, 3(2), 151-163.
- Kim, J. Y. (2015). Urban Regeneration Utilizing Art: A Case Study of the Samlye Art Village, Korea. *International Journal of Multimedia and Ubiquitous Engineering*, 10(11), 337-342.
- Lakhanpal, adam (2013), an explanation into public art as an urban regeneration tool for HULL
- Landi, P. J. (2012). Public Art-Purpose and Benefits: Exploring Strategy in the New England City of Pittsfield, Ma.
- Matarasso, F. (1997). Use or ornament. The social impact of participation in the arts, 4(2).
- Mikulay, J. G. (2007). The public's art: participatory gestures and contemporary practice. University of Wisconsin--Madison.
- Omar, S. S., Sakip, S. R. M., & Akhir, N. M. (2016). Bringing the New to the Old: Urban regeneration through public arts. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 234, 515-524.
- Oswald, P., Overmeyer, K., & Misselwitz, P. (2013). Urban catalyst. The Power of Temporary Use. Berlin: DOM.
- Palermo, L. (2014). The role of art in urban gentrification and regeneration: aesthetic, social and economic developments. *IL CAPITALE CULTURALE. Studies on the Value of Cultural Heritage*, (10), 521-545.
- Phoenix Initiative Coventry (2003), Client Coventry City Council Completion June 2003.
- Roberts, P., Sykes, H., & Granger, R. (2000). Urban Regeneration.

ص ۱۷۱-۱۴۸.

- معروفی، سکینه؛ انصاری، مجتبی. (۱۳۹۰)، ارزیابی تأثیر عناصر منظر شهری بر میزان احساس تعلق محلی (مطالعه موردی: محله نارمک تهران) هویت شهرشماره ۱۸ سال هشتم.
- موسویان، سیده عطیه؛ اردلانی، حسین. (۱۳۹۴)، جایگاه هنر عمومی در منظر شهری و نقش آن بر زیباسازی شهر دومین کنفرانس بین‌المللی بشر، معماری، مهندسی عمران و شهر.
- یعقوبی، مهدی؛ شمس، مجید. (۱۳۹۸)، بازآفرینی بافت فرسوده با رویکرد توسعه پایدار مطالعه موردی: شهر ایلان. فصلنامه شهر پایدار، دوره ۲، شماره ۱.
- Amnuay-ngerntra, S. (2016). Community Development through Public Art Event in Ratchaburi, Thailand. In *Managing and Developing Communities, Festivals and Events* (pp. 90-102). Palgrave Macmillan, London.
- Attoe, W. & Logan, D. (1989). American urban architecture: Catalysts in the design of cities. Univ of California Press.
- Awad, S. H., Wagoner, B., & Glaveanu, V. (2017). The street art of resistance. In *Resistance in everyday life* (pp. 161-180). Springer, Singapore.
- akar, N. I. A., Mansor, M., & Harun, N. Z. (2014). Vertical Greenery System as Public Art? Possibilities and challenges in Malaysian urban context. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 153, 230-241.
- erthold, S, 2015, Urban Catalysts Protagonists of urban transformation in Bangkok's neighbourhoods, *Traditional Dwellings and Settlements Review*, 26(1): 100-111
- Bianchini, F., & Parkinson, M. (Eds). (1994). Cultural policy and urban regeneration: the West European experience. Manchester University Press.
- Caves, R. W. (2004). *Encyclopedia of the City*. Routledge.
- Doucet, B. (2007, September). Flagship regeneration: Panacea or urban problem. In *EURO conference: The vital city*(pp. 1-27).
- Elnokaly, A. M., & Elseragy, A. B. (2012). Historic city centres as catalysts for wider sustainable urban regeneration. *Requalifying the Built Environment: Challenges and Responses*, 4, 29.
- Goksin, A., & Muderrisoglu, B. (2005). Urban Regeneration: a Comprehensive Strategy for Creating Spaces for Innovative Economies. *Urban Regeneration: A Comprehensive Strategy*. In 41st ISoCaRP Congress, İstanbul, 1-14.
- Guetzkow, J. (2002). How the Arts Impact Communities: An introduction to the literature on arts impact studies (No. 44).

- Ranney, S. (2012). SoHo: Beyond Boutiques and Cast Iron: The Significance, Legacy, and Preservation of the Pioneering Artist Community's Cultural Heritage.
  - Remesar, A. (2005). Public Art: Towards a theoretical framework. *ε-π ο λ ι σ ε-π ο λ ι σ*, 128.
  - Sharp, J., Pollock, V., & Paddison, R. (2005). Just art for a just city: Public art and social inclusion in urban regeneration. *Urban Studies*, 42(5-6), 1001-1023.
  - Shen, L. (2013), The Research and application of urban catalyst theory in revitalizing historic urban quarters redesign nanbuting district in Nanjing, China.
  - Sternberg, E. (2000). An integrative theory of urban design. *Journal of the American Planning Association*, 66(3), 265-278.
  - Tornaghi, C. (2008). Questioning the social aims of public art in urban regeneration initiatives. The case of Newcastle upon Tyne and Gateshead (UK). Unpublished manuscript, University off Newcastle.
  - Turk, N. (2014), The Urban Renaissance: Art and Culture for Socioeconomic Regeneration in Jordann.
  - Zebracki, M., Van Der Vaart, R., & Van Aalst, I. (2016). Deconstructing public artopia: Situating public-art claims within practice. *Geoforum*, 41(5), 786-795.
  - Zheng, J. (2017). Contextualizing public art production in China: The urban sculpture planning system in Shanghai. *Geoforum*, 82, 89-101.
- <https://doi.org/10.22034/39.170.83>